

همیشه درست باشد. این فرض اشتباه، مبتنی بر مشابه دانستن جامعه داخلی با جامعه بین‌المللی است که دولت‌ها بازیگران اصلی آن هستند و عرصه بین‌المللی تفاوت‌های بسیاری با عرصه داخلی دارد که تعمیم مذکور را بی‌اعتبار می‌سازد؛ به عبارتی دیگر، نقشی که دولت می‌تواند در مدیریت سیاست داخلی ایفا کند، در عرصه بین‌المللی وجود ندارد. سازمان‌ها و رژیم‌های بین‌المللی نیز پتانسیل و ظرفیت اعمال گسترده حاکمیت بر کشورها را ندارند. این تفاوت ماهوی در نهایت باعث شده است، کشورها در عرصه بین‌المللی بر اساس منافع ملی خود عمل کنند و امکان تحقق مدیریت جمع‌گرایانه وجود نداشته باشد؛ البته این مسئله به معنی عدم ارتباط با جامعه بین‌المللی یا سازمان‌های بین‌المللی نیست، بلکه به این معنی است که تنها می‌توان به صورت محدودی به نقش مشورتی و تسهیل‌کننده سازمان‌ها و رژیم‌های بین‌المللی در مدیریت بحران‌ها اتکا کرد.

۴. نتیجه‌گیری

با وجود آسیب‌هایی که بحران کرونا بر پیکر شهروندان ایرانی و سایر کشورها وارد ساخته است، می‌توان بهره‌های فراوانی از تجربه زیسته در بحران کرونا کسب کرد؛ تجاربی که ممکن است در آینده بیشتر محتاج یادآوری آن‌ها شویم. در این میان بالطبع فرهنگ‌هایی که وجوه قوی‌تری از جمع‌گرایی را در نظام اجتماعی خود پرورده‌اند، آسیب‌ها و هزینه‌های کمتری در بحران‌های جمعی تحمل خواهند کرد و در مقابل، ساختارهای فردمحور و بازارمحور، متحمل آسیب‌ها و هزینه‌های بیشتری خواهند شد. در چنین وضعیتی ممکن است، دسترسی محدودتر به امکانات و کالاهای بهداشتی مشکلات اساسی ایجاد کند؛ اما خصلت جمع‌گرایی در غالب جوامع شرقی و غلبه ارزش‌های اجتماعی، ظرفیت بزرگی است که مدیریت بحران‌های فراگیر همچون کرونا را برای این جوامع آسان‌تر می‌سازد. نکته آخر این است که حتی اگر بحران کرونا پایان یابد، بحران‌های مشابه دیگر همواره دامن‌گیر انسان‌ها خواهد بود و توجه به این نکته تجارب ملی و بین‌المللی کنونی را ارزشمند می‌سازد.

پی‌نوشت:

- 1- Carl Schmitt
- 2- Giorgio Agamben



واحدهای جدا از هم فرض کرد که بر زندگی یکدیگر تأثیر نمی‌گذارند. بحران‌های جمعی، تدابیر جمعی را می‌طلبند که الگوهای فردگرایانه همچون لیبرالیسم، به لحاظ ساختاری از اجرای این تدابیر ناتوان هستند. این وضعیت باعث شده است تا در سطحی کلان‌تر از ساختارهای داخلی، پارادوکس دیگری بین **ملی‌گرایی و جهانی‌سازی** بروز کند. در وهله نخست، شاید بتوان این‌گونه تعمیم داد که «اگر مدیریت جمع‌گرا در عرصه داخلی، نتیجه مطلوب‌تری در قیاس با مدیریت فردگرایانه داشته باشد، بالطبع در عرصه بین‌المللی نیز مدیریت جمع‌گرایانه نتایج مطلوب‌تری در پی خواهد داشت»؛ حال آنکه چنین تعمیمی مبتنی بر یک فرض اشتباه است که نمی‌تواند

سایر کشورها - و نظام بهداشتی نسبتاً پیشرفته در قیاس با سایر کشورهای منطقه دانست.

۳. پارادوکس ملی‌گرایی و جهانی‌سازی در عرصه بین‌المللی

بحران کرونا تهدیدی مستقیم علیه امنیت انسانی در جهان است تا جایی که تمامی جوامع را به پذیرش ایجاد محدودیت‌های کم‌سابقه‌ای بر زیست فردی و اجتماعی وادار کرده است. مسئله دیگری که به آن پرداخته شد، آشکارسازی برتری ارزش‌های اجتماعی بر منافع فردی و بازار به‌ویژه در بحران‌های فراگیر است؛ به عبارت دیگر در یک جهان به‌هم‌پیوسته و درهم‌تنیده، نمی‌توان انسان‌ها را